

برگرفته شده از وبسایت بی بی سی: توسط اداره نشرات **سیمای شغنان**

دولت خدانظراف: "حالا زمان سلطه فیلمهای ایرانی است"

به روز شده: 07:01 گرینویچ - شنبه 27 اکتبر 2012 - 06 آبان 1391



خدانظراف: "این واقعیت که سینمای خود ما در وضع بدی قرار دارد، مرا نگران کرده است"

هفته گذشته دولت خدانظراف، کارگردان معروف تاجیک، که سالهاست در روسیه به سر می برد، برای شرکت در جشنواره بین المللی فیلم "دیدار" (16 تا 20 اکتبر) به حیث رهبر هیئت داوران وارد تاجیکستان شد.

در نخستین روز این جشنواره همکاران شمسیه قاسم فرصتی برای مصاحبه با آقای خدانظراف در باره وضع سینمای تاجیک داشت:

جشنواره "دیدار" به سینمای کشورهای فارسی زبان توجه ویژه دارد و به نظر شما، جایگاه سینمای تاجیک در میان کشورهای فارسی زبان کجاست؟

مشکل این جاست که من یگان فیلم تاجیکی تا حالا ندیدم. اما من در این مورد یک چیز دیگر می خواهم بگویم. ماه سپتامبر مرا به شهر قزان دعوت کرده بودند. در آن جا من رئیس هیئت داوران جشنواره فیلم کشورهای مسلمان بودم.

باید اقرار کنم که خیلی وقت است که من فیلم تماشا نمی کنم. اما در این جشنواره من مجبور بودم فیلمهای کوتاه، دراز، مستند و همه گونه فیلم را ببینم. در مجموع، 54 فیلم را تماشا کردم. هر روز 15 ساعت فیلم تماشا می کردیم.

و جایزه‌های اصلی را فیلمهای ایرانی گرفتند. چون من در آنجا از روسیه نمایندگی می‌کردم، مرا این نکته که فیلمهای روسی جایزه نگرفتند، نگران کرد. از آن جا که فرهنگ ایران بخشی از فرهنگ ماست، من از موفقیت آنها البته شاد بودم.

اما این واقعیت که سینمای خود ما در وضع بدی قرار دارد، مرا نگران کرده است. وقتی من در باره سینمای روسی می‌گویم، منظورم سینمای قلمرو فرهنگ روسی است، مثلاً یگان فیلم تاتاری ارزشمند نبود، هیچ فیلم سزاوار جایزه از قفقاز نبود.

سینما چیزی است که به بزرگی یا قدرتمند بودن کشور وابسته نیست. فیلم در آنجا تولید می‌شود که شرایط ویژه برای تولید آن فراهم باشد. ببینید که حالا زمان سلطه فیلم ایرانی است. از این جا چنین بر می‌آید که برای سینما مهم این است که جامعه باید اندیشه‌مند باشد، بی‌طرف نباشد.

یعنی قلب جامعه باید در تپش باشد و از چنین جامعه احساسات و اندیشه‌ها در باره زمانه به پرده سینما منتقل می‌شود.

برداشت شما از نخستین روز جشنواره چیست؟ چه چیز شما را شاد و یا غمگین می‌سازد؟

امروز (نخستین روز جشنواره "دیدار" یا 16 اکتبر) یک چیز مرا هم شاد و از سوی دیگر غمگین کرد. شاد از آن بودم که یک کارگردان ایرانی در باره مراد عارف اف، (هنرمند سرشناس سینمای تاجیک) فیلم ساخت. و توسط کار کارگردانی ایرانی فرصتی فراهم شد، تا کار مراد عارف اف به گونه‌ای تقدیر شود.

آنچه مرا ناراحت ساخته، این است که او (مراد عارف اف) امروز قهرمان زمان نیست، در حالی که باید باشد! او را باید همه بشناسند، زیرا او مراد عارف اف است! زیرا فقط نقش ابو عبدالله رودکی او کافی است که همه نسلهای ما مراد عارف اف را بشناسند، به او احترام گذارند و پیش او سر تعظیم فرود آورند.

اگر همین گونه قدردانی وجود نداشته باشد، هیچ گونه سینما در ما وجود نخواهد داشت. زیرا این نشانگر آن خواهد بود که جامعه به این کار احترام نمی‌گذارد، این هنر را نمی‌پسندد و از آن تقدیر نمی‌کند.

(از دست مرتضی ندایی که از برش رد می‌شد، می‌گیرد) سپاس بی‌اندازه به این برادر ما که از ایران آمد و فیلم گرفت و به تاجیکان ما نشان داد که قهرمان آنها کیست و زبردست سینمای تاجیک کیست.

یعنی شما از وضع در تاجیکستان و سینمای این کشور ناامید هستید؟

"برای سینمای خوب مهم این است که جامعه باید اندیشه‌مند باشد، بی‌طرف نباشد. یعنی قلب جامعه باید در تپش باشد و از چنین جامعه احساسات و اندیشه‌ها در باره زمانه به پرده سینما منتقل می‌شود."

دولت خدانظراف

نه، نه، وضعیت به این بدی نیست. من مطمئنم که امید نجات وجود دارد. زیرا تاجیکان مردم بالاستعداد، بالیاقت هستند. سردفتر ادبیات فارسی در ایران به دنیا نیامده است، در روستای "پنجرودک" (در شمال تاجیکستان) تولد شده است.

نبیرگان و ابیرگان رودکی تا حالا همه جا هستند. فقط محیطی باید (ایجاد) شود که آنها پیدا شوند و توانند واقعیت‌های امروز را به پرده سینما منتقل کنند.

مهم این است که در سینما حقیقت (وجود داشته) باشد. اگر مردم در چادر سینما حقیقت را ببینند، به آن باور و احترام پیدا کنند، آن وقت سینما پیش می‌رود. و آن وقت در بیرون از تاجیکستان نیز سینما سفیر فرهنگی این کشور می‌شود.

شما در باره نبیرگان و ابیرگان بالیاقت رودکی گفتید، اما به نظر می‌رسد که بیشتر کارگردانهای مطرح تاجیک امروزها در بیرون از تاجیکستان به سر می‌برند و شما یکی از آنها هستید...

این اکنون تقدیر همه ما بود... البته، این بدبختی است. و شما باید باور کنید که برای من از تاجیکستان عزیزتر جایی در روی زمین نیست. من در طول عمرم شاید نیم دنیا را دیده‌ام. اما این روزها که من در این جا هستم، من هر قدم، هر نفس، هر بویی که باد به مشام می‌رساند، احساس می‌کنم که در وطن هستم.

لیکن اکنون این گذشت... ما به گذشته باید فقط از لحاظ آموزشی نگریم، هر آن چیزی را که خوب بود، برای آینده نگه داریم. یعنی ما باید در باره نسل نو فکر کنیم.

البته، آنهایی که در خارج از تاجیکستان هستند، آنها هم مال تاجیکستان هستند. مثلاً، جمشید عثمان اف در فرانسه مشهور است، اما وی تاجیک است و فیلمهایش هم تاجیکی هستند. یا بختیار خدانظر اف.

اما ما امروز باید در باره نسل نو فکر کنیم. یعنی باید کاری کنیم که پس از ده سال یا پس از بیست سال فرزندان ما در جشنواره‌هایی، نه تنها "دیدار"، بلکه در جشنواره‌های دیگر بین‌المللی پیروز شوند.

به این هدف باید اولویت داده شود. حالا مهم این است که ما چنین امکان را داریم.

خوبی جشنواره "دیدار" این است که جوانان می‌آیند و در اینجا فیلمهای خوبی را می‌بینند و به این هنر بیشتر جلب می‌شوند. این فیلمها برایشان درس می‌شوند، نمونه می‌شوند که باید به کدام طرف حرکت کنند.

از صحبت با ما سپاسگزاریم.